

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان

**بررسی رابطه نفقه و نشوز در موارد انحصار تأمین نفقه
توسط بانوان در فقه امامیه و حقوق مدنی**

استاد راهنما

جناب آقای دکتر سید یوسف علوی وثوقی

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر حمیده عبداللہی

نگارنده

ربابه نجاریان طوسی

پائیز ۱۳۹۳

تقدیم به:

شہیدین والامقام

شہید اول و شہید ثانی

کہ شیرینی فقہ را با کتاب ہایشان

لمعہ و شرح لمعہ

چشیدم

تقدیر و شکر

بر خود لازم می‌دانم به مصداق حدیث شریف: « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » از استاد فرهیخته حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر علوی وثوقی به پاس راهنمایی‌های گرانقدرشان، از استادر ارجمند سرکار خانم دکتر عبداللهی به پاس مشاوره‌های راهگایشان، از پدر و مادر بزرگواریم به پاس تمامی محبت‌های بی دریغشان از بدو تولدم تا اکنون، از تکیه‌گاه مقتدر زندگیم به پاس آرامش و همراهی‌هایش از ابتدای مسیر زندگی مشترکمان تا به امروز، از خانواده همسرم به پاس زحمات فراوانشان

تشکر و قدردانی نمایم

چکیده

براساس منابع فقهی و قانونی مدنی، مسئولیت تأمین نفقه در زندگی مشترک، بر عهده مرد قرار گرفته است. در صورتی که مرد از تأمین نفقه همسر خود امتناع ورزد و یا از این امر عاجز گردد و در هر صورت نتواند نفقه همسر خود را بپردازد، این مسئله یعنی عدم پرداخت نفقه از سوی مرد در فقه امامیه و حقوق مدنی، دارای ضمانت اجراهای شرعی و قانونی می‌باشد به طوری که طبق این ضمانت اجراها، زن می‌تواند به حاکم شرع رجوع نموده و پس از مطالبه حق خود و الزام شوهر به پرداخت نفقه، در صورتی که باز هم به حق خود نرسید، تقاضای طلاق نموده و از همسر خویش جدا می‌گردد. اما آنچه که در این بحث ضروری به نظر می‌رسد، بررسی و توجه به این مسئله است که این ضمانت اجراها در نهایت منتهی به راه حل طلاق می‌شود در صورتی که اگر واقع‌بینانه به این مسئله بنگریم طلاق نمی‌تواند راه حل مناسب و مفیدی برای زنی باشد که نفقه‌ای ندارد، بلکه در این شرایط ضروری است مسائل مهمتری مد نظر قرار گیرد و آن اینکه در بیشتر مواقع، این زن به دلیل علاقه به کانون خانواده و فرزندانش و عدم انجام منفورترین حلال الهی طلاق می‌خواهد خود بار تأمین هزینه‌های زندگی را به عهده گیرد و در واقع منحصرأ تأمین کننده نفقه خویش و فرزندانش باشد، حال در این شرایط این سوالات مطرح می‌گردد: آیا در صورت نشوز مرد و عدم پرداخت نفقه، باز هم زن باید از همسر خود تمکین نماید یا شانه زن از وظایف و تکالیفی که در برابر همسر خود دارد خالی می‌گردد؟ مسئله دیگر اینکه آیا در صورتی که زن بخواهد با کار کردن و اشتغال، بار تأمین نفقه را بر عهده بگیرد، برای اشتغال و خروج از منزل نیاز به اجازه همسرش دارد؟ در واقع رسالت مهم این تحقیق پاسخگویی به این سوالات است که یکی از مهمترین و شایع‌ترین مسائل در جامعه کنونی ما می‌باشد و برای پاسخگویی به این سوالات، هم بر طبق قاعده اولیه و حکم اولی از طریق آیات و روایات و هم بر طبق حکم ثانوی از طریق دو قاعده مهم فقهای (قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج) ثابت می‌گردد که در این شرایط که زن منحصرأ تأمین کننده نفقه می‌باشد علاوه بر اینکه در بحث تمکین، شانه زن از وظایف و تکالیف خالی می‌گردد، در مسئله خروج از منزل برای اشتغال نیز، نیازی به اجازه همسر خویش ندارد، در نتیجه از نظر اخلاقی نیز مورد مذمت قرار نمی‌گیرد.

واژگان کلیدی: عدم پرداخت نفقه، تمکین، نشوز، خروج از منزل

فهرست مطالب

مقدمه :	۱
۱. تعریف مسأله و بیان سوال‌های تحقیق:	۲
۲. ضرورت انجام تحقیق	۲
۳. فرضیه‌ها	۳
۴. سابقه و پیشینه تحقیق	۳
۵. هدف تحقیق	۴
۶. روش تحقیق	۵
فصل اول : تعاریف	۶
گفتار اول: تعریف نکاح	۷
الف) معنای لغوی نکاح	۷

ب) معنای اصطلاحی نکاح ۷

گفتار دوم: تعریف نفقه ۹

الف) معنای لغوی نفقه ۹

ب) معنای اصطلاحی نفقه ۱۱

گفتار سوم: تعریف تمکین ۱۳

الف) معنای لغوی تمکین ۱۳

ب) معنای اصطلاحی تمکین ۱۴

گفتار چهارم: تعریف نشوز ۱۶

الف) معنای لغوی نشوز ۱۶

ب) معنای اصطلاحی نشوز ۱۷

فصل دوم : انفاق، وظیفه و تکلیف مرد ۲۰

گفتار اول: مبانی فقهی نفقه زوجه ۲۱

الف) آیات ۲۱

ب) روایات ۲۸

ج) اجماع ۳۰

گفتار دوم: مبانی نظری نفقه زوجه ۳۰

الف) تشابه یا تفاوت زن و مرد در نگرش اسلامی ۳۰

ب) انفاق، وظیفه و تکلیف مرد ۳۴

فصل سوم: احکام نفقه ۳۷

گفتار اول: شرایط وجوب نفقه ۳۸

الف) شرایط وجوب نفقه در فقه امامیه ۳۸

ب) شرایط وجوب نفقه در حقوق مدنی ۴۴

گفتار دوم: گستره و اندازه نفقه ۴۷

الف) گستره و اندازه نفقه در فقه امامیه ۴۷

ب) گستره و اندازه نفقه در حقوق مدنی ۵۲

گفتار سوم: ماهیت حق زن بر نفقه ۵۴

گفتار چهارم: ویژگی‌های نفقه زن ۵۷

گفتار پنجم: موارد سقوط نفقه ۶۰

فصل چهارم: نشوز زوج با عدم پرداخت نفقه ۶۶

گفتار اول: نشوز زوج ۶۷

گفتار دوم: عدم پرداخت نفقه زن از سوی مرد	۷۰
حالت اول: عجز زوج از پرداختن نفقه	۷۰
حالت دوم: استتکاف و امتناع از پرداخت نفقه	۷۳
فصل پنجم: بررسی مسئله عدم تمکین زن در موارد انحصار تأمین نفقه توسط وی	۸۶
گفتار اول: بررسی رابطه نشوز مرد و تمکین زن	۸۹
گفتار دوم: بررسی مسئله خروج زن از منزل	۹۶
گفتار سوم: بررسی قاعده لاضرر و قاعده نفی عسر و حرج	۱۰۰
گفتار چهارم: عدم مذمت زن از نظر اخلاقی در صورت عدم تمکین در موارد انحصار تأمین نفقه توسط زن	۱۰۴
گفتار پنجم: تمکین زن در موارد انحصار تأمین نفقه توسط زن در قانون مدنی	۱۰۶
نتیجه گیری و پیشنهادات	۱۰۹
فهرست منابع	۱۱۱

مقدمه

در ساختار خانواده اسلامی، مرد عهده‌دار سرپرستی خانواده و تأمین معاش و هزینه‌های ضروری زندگی همسر خویش می‌باشد، همان گونه که زن نقطه اتکای خانواده از جهت آسایش و آرامش روحی است.

تبیین مبانی، اسباب، شرایط و احکام نفقه زن، می‌تواند تصویری روشن از اصل تعادل، عدالت و تناسب را به قشر فرهیخته جامعه عرضه نماید.

از سوی دیگر در شرایطی که مرد از پرداخت نفقه به همسر خود استنکاف نماید و یا از آن عاجز و ناتوان گردد، در فقه امامیه و به تبع آن حقوق مدنی، در رابطه با زنی که در این شرایط از سوی همسر خود نفقه‌ای دریافت نمی‌کند، ضمانت اجراهای دقیقی مطرح می‌گردد که این ضمانت اجراها به سه دسته شرعی، مدنی و کیفری تقسیم می‌گردد.

علاوه بر این، علی‌رغم وجود این ضمانت اجراها، در این شرایط و پس از نشوز مرد و عدم انجام این تکلیف و مسئولیت مهم از سوی وی، بحث‌های مهمتری در رابطه با مسئله لزوم تمکین زن از مرد خصوصاً در شرایطی که زن به جای مرد تأمین کننده نفقه باشد مطرح می‌گردد که در این رساله با عنوان « بررسی رابطه نفقه و نشوز در موارد انحصار تأمین نفقه توسط بانوان در فقه امامیه و حقوق مدنی » سعی شده است به بررسی و تحلیل دقیق این موضوع پرداخته شود، لذا برای رسیدن به این مهم، این تحقیق در پنج فصل تنظیم و تهیه گردیده است:

فصل اول: شامل تعاریف و اژگان کلیدی و مهم این تحقیق یعنی نکاح، نفقه، نشوز و تمکین می‌باشد.

فصل دوم: با عنوان «انفاق، وظیفه و تکلیف مرد» به بررسی دلایل وجوب نفقه بر عهده مرد از طریق آیات، روایات و اجماع فقها بر این مسئله می‌پردازد.

فصل سوم: با عنوان « احکام نفقه » به بررسی احکام مختلف نفقه زن از جمله شرایط وجوب نفقه، گستره و اندازه نفقه، ماهیت حق زن بر نفقه، ویژگی‌های نفقه زن، موارد سقوط نفقه و نفقه زن پس از انحلال نکاح می‌پردازد.

فصل چهارم: با عنوان «نشوز زوج با عدم پرداخت نفقه» به بررسی ضمانت اجراهای شرعی، مدنی و کیفری عدم پرداخت نفقه از سوی مرد می‌پردازد.

فصل پنجم: با عنوان « بررسی مسئله عدم تمکین زن در موارد انحصار تأمین نفقه توسط وی» به بررسی مسائلی مانند عدم تمکین زن از سوی مرد در صورت عدم پرداخت نفقه وی از سوی مرد می‌پردازد.

۱. تعریف مسأله و بیان سوال‌های تحقیق:

از آنجایی که در زندگی مشترک، بر طبق دلایل محکم از آیات و روایات، مسئولیت تأمین نفقه بر عهده مرد گذاشته شده است. در صورتی که مرد به هر دلیلی (استنکاف از پرداخت نفقه یا عجز و ناتوانی از پرداخت نفقه) به همسر خود نفقه‌ای ندهد. در این شرایط بر طبق ضمانت‌اجراهایی که در شرع و قانون برای زن وجود دارد، وی می‌تواند حقوق خود را مطالبه نماید و در نهایت اگر باز هم به حق قانونی و شرعی خود نرسید، بر طبق نظر اکثر فقهای امامیه و قانون مدنی، راه حل طلاق و جدایی برای او مطرح می‌گردد، اما آنچه که در این تحقیق سعی به بیان آن گردیده است، این مطلب می‌باشد که در اکثر موارد، طلاق برای این زن مفید واقع نمی‌گردد بلکه اگر شرایطی فراهم شود که این زن بتواند با اشتغال، نفقه خود را تأمین نماید و در این راستا که مسئولیت سنگین تأمین نفقه را بر عهده می‌گیرد، این سوالات مطرح می‌گردد:

۱) در شرایط انحصار تأمین نفقه توسط زن مسئله لزوم تمکین و اطاعت زن از مرد به چه صورت می‌باشد؟

۲) آیا در این شرایط شانه زن از وظایف و تکالیفی که در قبال همسر خود دارد خالی می‌گردد؟

۳) در صورت اشتغال زن برای تأمین نفقه، آیا زن برای اشتغال و خروج از منزل نیاز به اذن و اجازه همسر خود دارد؟

۲. ضرورت انجام تحقیق

با توجه به اهمیت بحث نفقه در حقوق مالی زن پس از ازدواج و جایگاه ویژه و مهمی که این مسئله در نظام خانواده دارد، اگر زن از این حق شرعی و قانونی خود محروم شود، به دلیل مشکلات و مسائلی که برای او مطرح می‌گردد، خود تأمین کننده نفقه خویش می‌گردد. این امر باعث می‌گردد که وی علاوه بر مسئولیت‌های مهمی که در زندگی خانوادگی از قبیل مادر شدن و بحث تربیت و مراقبت از فرزندان دارد، بخواهد بیرون از منزل نیز به اشتغال بپردازد. حال با توجه به این شرایط، پرداختن به مسائلی مانند بحث عدم لزوم تمکین وی از همسرش و خالی شدن شانه وی از وظایف زناشویی و نیز بررسی مسئله اذن همسر در خروج از منزل برای اشتغال بسیار ضروری و مهم می‌باشد چراکه این مسئله در جامعه کنونی ما نیز به وفور دیده می‌شود که مردان

زیادی به بهانه‌های واهی از این مسئولیت مهم خود سرباز می‌زنند و در نتیجه پرونده‌های زیادی در محاکم دادگستری و دادگاه‌های خانواده با عنوان عدم پرداخت نفقه وجود دارد لذا اهمیت و ضرورت بررسی این مباحث بیش از پیش آشکار و محرز می‌گردد.

۳. فرضیه‌ها

۱. در صورت عدم پرداخت نفقه از سوی مرد و انحصار تأمین نفقه توسط زن، لزوم تمکین و اطاعت زن از مرد منتفی می‌گردد.

۲. در این شرایط عهده زن از وظایف و تکالیفی که در قبال مرد دارد، بری می‌گردد.

۳. در شرایطی که زن برای تأمین نفقه به اشتغال می‌پردازد، برای مسئله اشتغال و خروج از منزل نیازی به اذن و اجازه همسر خویش ندارد.

۴. سابقه و پیشینه تحقیق

در مورد بحث نفقه و مبانی فقهی و حقوقی نفقه زن و همچنین احکام نفقه زن در فقه و حقوق کتاب‌ها و رساله‌های زیادی نوشته شده است به طوری که به تمامی جزئیات این مسائل در این تحقیقات پرداخته شده است. اما در مبحث عدم پرداخت نفقه زن از سوی مرد، آنچه در کتب و تحقیقات فقهی و حقوقی وجود دارد، تنها پرداختن به مسئله ضمانت اجراهایی است که در شرع و قانون برای این مسئله وجود دارد و تمامی نویسندگان و محققین تنها به ذکر همین ضمانت اجراها پرداخته‌اند. اما بحث از این مسئله که حال در این شرایط، اگر زن منحصرأ تأمین کننده نفقه محسوب گردد و مسئولیت تأمین نفقه را بر عهده گیرد، بحث تمکین وی از همسرش و همچنین بحث شرایط اشتغال او چه صورتی خواهد داشت، مسئله و بعد جدیدی از این موضوع است که متأسفانه در هیچ کتاب یا رساله و یا حتی مقاله‌ای به این موضوع مهم پرداخته نشده است.

نکته حائز اهمیت اینکه علاوه بر اینکه کتاب یا رساله یا مقاله‌ای مستقل و مدونی در رابطه با این موضوع نوشته نشده است، بلکه به صورت پراکنده هم در کتاب‌ها یا تحقیقی این مسئله و موضوع به چشم نمی‌خورد و جایگاه خالی آن در تحقیقات و رساله‌های دانشگاهی و حوزوی خصوصاً با توجه به اهمیت و ضرورت و کاربرد فراوان این مسئله در جامعه بسیار حس می‌شود.

آنچه که نگارنده با مراجعه مفصل به کتب فقهی و حقوقی و تحقیقات و رساله‌های انجام شده در رابطه با این موضوع پیدا کردم تنها در سه مقاله زیر آن هم فقط در یک بند از این مقاله‌ها به طور ضمنی و اشاره و خیلی مختصر به این مسأله پرداخته شده بود:

۱. مقاله‌ای از سرکار خانم زهرا آیت‌اللهی با عنوان «نگاهی فقهی به ماده‌های قانونی نفقه زوجه»

۲. مقاله‌ای از سرکار خانم فائزه عظیم زاده اردبیلی با عنوان «بررسی معناشناختی و جایگاه قوامیت مرد و حقوق انسانی زن از نظر قرآن و مقایسه با کنوانسیون تبعیض»

۳. مقاله‌ای از آقای کاظم قاضی زاده و خانم حورا شاه جعفری با عنوان «مبنا و ماهیت فقهی حقوقی نفقه زوجه در قرآن».

همانطور که بیان شد، در این مقاله‌ها، تنها در یک پاراگراف، به صورت مختصر و ضمنی به این مسأله پرداخته شده است مثلاً در مقاله خانم آیت‌اللهی به این مسئله اشاره شده است که طبق نظر برخی مراجع در مدت زمانی که زن مشغول به کار برای تأمین نفقه است، اطاعت از شوهر بر او واجب نیست.

در نتیجه، تاکنون هیچ کتابی و یا رساله و مقاله‌ای به صورت مستقل و با نگاه فقهی و حقوقی و با بررسی ادله شرعی و مواد قانون مدنی به این موضوع و مسئله پرداخته است و حتی در کتاب‌های فقهی فقهای متقدم نیز به این مسئله پرداخته نشده است فقط به صورت ضمنی و مختصر در چند کتاب فقهی مانند جامع المدارک مرحوم خوانساری و تحریر الاحکام علامه حلی به این مسئله اشاره شده است و از میان فقهای معاصر نیز، فقط به این مسئله که در مدت زمانی که زن مشغول کار برای تأمین معاش زندگی می‌باشد اطاعت از مرد واجب نیست، برخی از مراجع در رساله‌های علمیه خویش اشاره نموده‌اند.

۵. هدف تحقیق

با توجه به اهمیت و کاربردی بودن این مسأله در جامعه کنونی که پرونده‌های زیادی از محاکم دادگستری را نیز به خود اختصاص داده و همچنین جایگاه خالی آن در تحقیقات حوزوی و دانشگاهی، بر آن شدم تا موضوع تحقیق خود را در رابطه با این مسئله انتخاب نمایم و در این تحقیق و تا حد توان و در حد بضاعت علمی خود به بررسی این موضوع به صورت تفصیلی و دقیق‌تر بپردازم تا انشاء الله این تحقیق فتح بابی

باشد برای توجه هرچه بیشتر فقها و علمای گرامی و حقوقدانان به این موضوع و تدوین مواد قانونی در این زمینه.

۶. روش تحقیق

از آنجایی که در این تحقیق به بررسی موضوع رابطه نفقه و نشوز (عدم تمکین زن از مرد) در موارد انحصار تأمین نفقه توسط زن در فقه امامیه و حقوق مدنی پرداخته شده است، برای رسیدن به این مقصود با مراجعه به کتب فقهی و حقوقی در رابطه با موضوع نفقه به بررسی دیدگاه‌های فقهای امامیه و حقوقدانان اسلامی در این زمینه پرداخته شده است در نتیجه روش تحقیق، بنیادی است و با توجه به اینکه از طریق مراجعه به کتابخانه‌های عمومی و تخصصی و فیش‌برداری از کتب و منابع فقهی و حقوقی مطالب جمع‌آوری گردیده است. روش تحقیق روش کتابخانه‌ای می‌باشد.

فصل اول

تعاريف

گفتار اول: تعریف نکاح

الف) معنای لغوی نکاح

نکاح از ریشه «نکح، ینکح» می‌باشد. در لغت به معنی تقابل است به طوری که در زبان عرب هر گاه دو کوه در مقابل یکدیگر قرار گرفته باشند، گفته می‌شود: تناکح الجبلان؛ یعنی دو کوه در مقابل هم واقع شده‌اند.

همچنین نکاح به معنای به هم پیوستن، جمع شدن و بلوغ هم آمده است و در قرآن مجید آمده است: «
وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رِشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ...»^۱.

« و یتیمان را بیازمایید تا آن گاه که به حد رشد و بلوغ (ازدواج) رسند، پس اگر در آنان رشدی دیدید، اموالشان را به خودشان رد کنید... »

از سوی دیگر، نکاح به معنای «الحلم» و «وطی» و «عقد» هم بیان شده است. نکاح در شرع به معنای عقد بین زن و مردی است که به موجب این عقد، وطی را برای آنها حلال می‌سازد و فقهای امامیه نیز به همین معنا بسنده نموده و می‌گویند، «نکاح به معنای عقدی است که به موجب آن، استمتاع مرد را از زن حلال می‌سازد، آن گاه که نکاح آنها بر اثر یک علت شرعی، منع و ممنوع نگردد.»^۲

در فرهنگ لغت فارسی نیز، نکاح به عنوان ازدواج و پیوند زناشویی ذکر شده است.^۳

ب) معنای اصطلاحی نکاح

از نظر اصطلاح، در اینکه آیا این لفظ نکاح، دلالت بر «وطی» دارد یا «عقد» و یا میان هر دو مشترک لفظی است، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای قائل به دلالت نکاح بر وطی و عده‌ای قائل به دلالت آن بر عقد دارند.

^۱. نساء آیه ۶

^۲. ابو حیب سعیدی، القاموس الفقہی لغہ و اصطلاحاً (دمشق: دارالفکر، ۱۴۸ هـ.ق)، ج ۲، ص ۳۶۰

^۳. حسن عمید، فرهنگ لغات فارسی، چاپ هجدهم (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲ هـ.ش) ص ۱۰۲۴.

مثلاً راغب اصفهانی در مفردات می گوید: که اصل نکاح از برای عقد است و برای جماع استعاره آورده شده و نیز می گوید که محال است که نکاح به معنای جماع آمده و برای عقد استعاره باشد زیرا تمام اسماء جماع استعاره است، آن هم به دلیل قبیح بودن ذکر آن.

قرطبی در تفسیر خود نکاح را چنین تعریف نموده و می گوید: «النکاح حقیقة فی الوطی و تسمیة العقد نکاحاً لملاسته له من حیث أنه طریق الیه و نظیره تسمیتهم الخمرائماً لانه سبب فی اقتراف الاثم».^۴

صاحب معجم الفاظ الفقه نیز در تعریف اصطلاحی نکاح می فرماید: عقدی است که به موجب آن، استمتاع هر یک از زن و مرد را از دیگری حلال می سازد به شرط آنکه هیچ منع شرعی، نکاح آنها را مانع نگردد.^۵

در اصطلاح فقهی، نکاح عبارت است از عقدی که به موجب آن مرد و زن بر نفی محرومیت جنسی و علاوه بر این نفی به منظور تشکیل خانواده و زندگی مشترک خانوادگی، قانوناً با هم متحد می شوند.

در اصطلاح حقوقی نیز، نکاح عبارت است از رابطه حقوقی که به وسیله عقد میان مرد و زن حاصل می گردد و به آنها حق می دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند.^۶

^۴ . به نقل از: محمد باقر محقق، حقوق مدنی زوجین در زمان زناشویی دائم از دیدگاه قرآن (بی جا: بنیاد قرآن، بی تا)، ص ۲۲

^۵ . فتح الله احمد، معجم الفاظ الفقه الجعفری، چاپ اول، (بی جا: المدوخل الدمام، ۱۴۱۵ هـ. ق)، ص ۴۲۹

^۶ . سید حسین صفایی؛ اسد الله امامی، حقوق خانواده، چاپ اول، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶ ش)، ج ۱، ص ۱۶

گفتار دوم: تعریف نفقه

الف) معنای لغوی نفقه

در مورد ریشه و معنای نفقه، میان علمای علم لغت اختلاف نظر وجود دارد. به طوری که دانشمندان این علم برای این واژه ریشه‌های متفاوتی را ذکر کرده‌اند که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم.

دسته اول: علمایی که نفقه را به معنای «هلاکت و نابودی» می‌دانند مانند:

- صاحب مصباح المنیر «نفقه» را اسم مصدر «نفق» می‌داند و معتقد است در عبارت «نفقت الدراهم نفقا»، «نفقه» به معنای «نفدت» یعنی تمام شد، فانی و نابود شد» می‌باشد. جمع «نفقه» را نیز بر «نفاق» و «نفقات» صحیح می‌داند.^۷

- راغب نیز همین معنا را در جایی که گفته می‌شود «نفقت الدراهم تنفق و أنفقتها» برای «نفقه» بیان نموده است.^۸

- در المنجد آمده است ← نَفَقَ يُنْفِقُ نَفْقًا - نفدوفنی و قل: چیزی که کم شد، از بین رفت، ته کشید.

- جوهری نیز معتقد است که واژه «نفقه» زمانی که در مورد حیوان به کار می‌رود به معنای هلاکت و مرگ حیوان است. نَفَقَتِ الدَّابَّةُ تَنْفِقُ نَفُوقًا أَى مَاتَتْ^۹

- فیروزآبادی در قاموس اللغة نیز نفقه را، وقتی مشتق از نفوق بدانیم، در صورتی که برای انسان یا حیوان به کار برده شود به همان معنای هلاکت و نابودی معنا کرده است مانند عبارت: نفق الرجلُ و الدَّابَّةُ نَفُوقًا، یعنی مرد و حیوان مردند.^{۱۰}

دسته دوم: علمایی که واژه «نفقه» را مشتق از مصدر «نفاق» به معنای «رواج و شیوع پیدا کردن» می‌دانند

مانند:

^۷ احمد بن محمد بن علی، المقرئ النیومی، مصباح المنیر (بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۷ هـ. ق)، ج ۱، ص ۳۲۷، ماده نفق.

^۸ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، (دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ هـ. ق)، ص ۸۱۹

^۹ جوهری، صحاح اللغة، کلمه «ن.ف.ق»

^{۱۰} مجد الدین محمد بن یعقوب، فیروزآبادی، القاموس المحيط، چاپ دوم، (بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ. ق)، ج ۲، ص ۱۲۲۷

- جوهری معتقد است که واژه «نَفَقَه» زمانی که در مورد معامله‌ای بکار رود به معنای شیوع و رواج آن است ←
نَفَقَ الْبَيْعُ نَفَاقًا بِالْفَتْحِ أَيْ رَاجَ.

- و عباراتی دیگر نظیر ← «أَنْفَقَ الْقَوْمُ نَفَقَتَ السُّوقِ نَفَاقًا» به معنای اینکه بازار رونق گرفت^{۱۱} و یا «نَفَقَ السَّعْرُ يُنْفِقُ نَفَاقًا» به معنای زیاد شدن درخواست کننده و مشتری آن سر است.

دسته سوم: علمایی که نفقه را مشتق از انفاق، به معنای آنچه که از درهم و مانند آن مصرف می‌گردد و زاد و آنچه که انسان برای عیالش خرج می‌کند می‌دانند مانند:

- راغب در مفردات می‌نویسد: نفقه اسم است برای آن چیزی که انفاق می‌شود مانند آیه: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ»^{۱۲} و یا آیه «وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً»^{۱۳} که نفقه به آن چیزی که انفاق شده، گفته شده است.^{۱۴}

- زمخشری و برخی دیگر نیز معتقدند، کلماتی که فاء الفعل آن حرف «ل» و عین الفعل آن حرف «ف» می‌باشد مانند نفد به نفق، نفخ و نفی و ... بر نوعی خروج و از میان رفتن و نیستی دلالت دارند.^{۱۵}

پس از بررسی نظرات علمای علم لغت می‌توانیم نتیجه بگیریم که نفقه مورد بحث ما یعنی نفقه‌ای که مرد به زن خود می‌دهد با معنای آخر یعنی معنایی که زمخشری و راغب برای نفقه بیان کرده‌اند مطابقت بیشتری دارد چون چیزی که مرد برای همسرش خرج می‌کند به شکلی از مال وی خارج شده و مصرف می‌گردد. البته از سوی دیگر اگر وضع زن را نیز در نظر بگیریم معنای رواج و رونق نفقه نیز با حال زن مناسبت دارد چرا که وضع زن نیز با مصرف این مال رونق می‌گیرد.

نفقه در فارسی نیز در دو معنا به کار رفته است که عبارتند از:

* آنچه از درم و امثال آن صرف خویشان و یا عیال خود کنند، روزمره‌ای که برای زن و فرزند و اهل و عیال مقرر کنند و خرج هر روزه.

^{۱۱} محمد بن عبدالقادر الرازی، مختار الصحاح، (بیروت: دارالکتاب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ. ق)، ص ۳۴۴

^{۱۲} بقره، آیه ۲۴۷۰

^{۱۳} توبه، آیه ۱۲۱

^{۱۴} راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۸۱۹

^{۱۵} زکریا ابوالحسن احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، (قم: دارالکتاب العلمیه، ۱۴۰۴ هـ. ق)، ج ۵، ص ۴۵۴ و زمخشری به نقل از ابن عابدین،

حاشیه رد المختار علی الدر المختار، شرح تنویر الابصار، (بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ هـ. ق)

* آنچه انفاق و بخش کنند و نفقه خوار، آن که نفقه کسی خورد و نفقه دادن، یعنی متکفل معاش دیگری شدن و هزینه معاش دیگری را تعهد کردن.^{۱۶}

ب) معنای اصطلاحی نفقه

تعریف نفقه از دیدگاه فقهی:

فقه‌های امامیه کمتر به تعریف نفقه و بیشتر به ذکر مصادیق آن پرداخته‌اند و به طور کلی می‌توان گفت تعاریفی که برای نفقه در فقه ارائه شده است اغلب همراه با ذکر مصادیق می‌باشد بدین جهت اکثر اختلاف‌ها به مصادیق برمی‌گردد.

به عنوان مثال در جواهر الکلام آمده است: «نفقه عبارت است از مایحتاج زن مانند غذا، البسه، مسکن، خادم و وسایل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد»^{۱۷}

بعضی از فقها مصادیق دیگری نیز به آن اضافه نموده‌اند مانند وسایل تنظیف و آرایش از جمله شانه، کرم، صابون و هزینه حمام در صورت نیاز.

در تحریر الاحکام در تعریفی کوتاه بدون ذکر مصادیق آمده است: «آنچه زن بدان نیازمند است و در شأن چنین زنی در آن شهر است».^{۱۸}

برخی دیگر از فقها نیز نفقه را برآورده کردن نیازهای زن و رساندن به قدر کفایت او می‌دانند.^{۱۹}

تعریف نفقه از دیدگاه حقوقی:

قانون مدنی ایران نیز به پیروی از روح فقه اسلامی و نظریه فقها، تعریف خاصی از نفقه ارائه نکرده است بلکه فقط در ماده ۱۱۰۷ ق.م مصادیق نفقه را ذکر نموده است. صورت نهایی این ماده بعد از رفع مواردی که توهم حصر را به دنبال دارند در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۴ به قرار زیر می‌باشد:

^{۱۶} علی اکبر دهخدا، لغت نامه، چاپ سوم، (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش)، ج ۱۴، ص ۲۲۶۴۱

^{۱۷} محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، (قم: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۶)

^{۱۸} الحسن بن یوسف بن المطهر الاسدی الحلی، قواعد الاحکام، چاپ اول، (قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ه.ق)، ج ۴، ص ۲۹

^{۱۹} همان، ج ۲، ص ۵۷